



درس خارج فقه تربیتی ج ۳

فهرست:

ادله قاعده ارشاد جاهل ۲

ادله قرآنی ۲

۱- دلیل اول، آیه ۱۲۲ سوره توبه ۲

موارد تمسک به آیه نفر ۲

نگاه کلی به آیه نفر ۲

مفاهیم کلمات آیه ۲

۱. نفر ۲

۲. هجرت ۳

۳. فرار ۳

نکات موجود در «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» ۴

۱- ماکان، مفید نهی نیست ۴

۲- «انفروا» واجب کفایی می باشد ۴

دفع توهم ۴

۳- انواع نفر ۴

احتمالات فقهی «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» ۵

نفر در لغت ۶



ادله قاعده ارشاد جاهل

ادله قرآنی

۱- دلیل اول، آیه ۱۲۲ سوره توبه

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

موارد تمسک به آیه نفر

این آیه، از غرر آیات قرآن است که حداقل در فقه و اصول در سه جای مهم مورد تمسک قرار گرفته است:

- حجیت خبر واحد
- وجوب اجتهاد و تعلم احکام و شریعت
- قاعده ارشاد جاهل

نگاه کلی به آیه نفر

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

در آیات متعدد، مسلمانها مأمور به جهاد شدند، بیان جهاد، در غالب آیات، متوقف بر هجرت و نفر و کوچ کردن است.

مفاهیم کلمات آیه

۱. نفر



این تعبیر در سوره توبه، در سه چهار جا و در غیر سوره توبه نیز در هفت هشت مورد، به صورت امر به نفر، یا توبیخ بر عدم نفر تعبیر شده است.

«انْفِرُوا خِفَافًا و...» توبه/۴۱ که به صورت امر بر نفر ذکر شده است، «مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ» توبه/۳۸ زمانی که گفته شود، کوچ کنید و بیرون بروید برای اینکه جهاد کنید، سنگین می‌شوید و نمی‌توانید حرکت بکنید، «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» توبه/۳۹ اگر برای جهاد و دفاع نفر نکنید، «يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» که به صورت توبیخ بر عدم نفر بیان شده است.

۲. هجرت

واژه «هجرت» به معنای کوچ کردن و رفتن و ترک خانه و دیار، مفید و خوب هجرت برای جهاد می‌باشد «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا» بقره/۲۱۸، البته واژه «هجرت» یک معنای معنوی باطنی هم دارد که در روایات به آن اشاره شده، و شامل هجرت‌های درونی نیز می‌شود.

۳. فرار

این واژه نیز مانند واژه هجرت، معنای کوچ کردن و رفتن و ترک خانه و دیار و خوب هجرت برای جهاد را افاده می‌کند «فِرَّوْا إِلَى اللَّهِ»

قدر متیقن و ظاهر اولیه آیاتی که می‌فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا و...»، «مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ»، «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»، «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا» مصداق بارز این آیات، و خوب مهاجرت و نفر است.

با چنین زمینه‌ای، توجه به این که مسلمان‌ها مکلف به کوچ کردن هستند، صدر آیه ۱۲۲ سوره توبه که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» لازم نیست همه مسلمان‌ها نفر کنند، یک نوع تبصره و استثنائی بر وجوب مطلق انفروا می‌زند و در ادامه می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ...».



نکات موجود در «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً»

۱- ماکان، مفید نهی نیست.

«ماکان» در اینجا مفید نهی نیست، این تعبیر، در موارد دیگر به صورت جمله خبریه است، ولی همین جمله خبریه در مقام انشاء، مکرر به کار رفته است، و جمله خبریه در مقام انشاء، مفید نهی و زجر است، به این معنی که نباید این کار انجام شود، و این تعبیر مثل تعبیر «ماکان کذا» در هفت هشت جا به صورت جمله خبریه در مقام انشاء، استعمال شده است که به طریق آكد و ابلغ، مفید وجوب یا حرمت است؛ چون در مقام انشاء بیان شده، و ظاهر اولیه اش نهی است و حرمت را انشاء می‌کند، لیکن چون اینجا نهی بعد الحذر می‌باشد این مورد استثناست، و امر بعد الحذر یا بعد توهّم الحذر، مفید وجوب نیست، بلکه مفید جواز است، در اینجا «ماکان» بر (من به الکفایه) حمل می‌شود. در نقطه مقابل، امر بعد الحذر یا بعد توهّم الحذر، نهی بعد الامر یا در مقام توهّم وجوب نهی است که مفید جواز می‌باشد، نه حرمت.

۲- «انفروا» واجب کفایی می‌باشد.

انفروا، واجب کفایی می‌باشد، یعنی در حد کفایی بروند و لازم نیست همه بروند، مگر این که همه لازم باشند، که در این صورت همه افراد، من به الکفایه هستند.

دفع توهّم

شاید گفته شود ذکر این مطلب در صدر آیه بی‌وجه است، صدر آیه، مقدمه‌ای برای الزام از یک زاویه است، یعنی می‌خواهد بگوید این «انفروا» ها واجب کفایی می‌باشد و لازم نیست همه بروند.

ولی آیه می‌خواهد بفرماید دو نوع نفر وجود دارد:

۳- انواع نفر

- نفر للجهاد
- نفر للعلم



و تأکیدی که در سوره توبه و نساء و جاهای دیگر با تعبیرات «انفروا، مالکم لاتتفروا...» اشاره به کفایت نفر می‌کند و تمهیدی برای پایه‌گذاری یک نفر جدید می‌باشد، یعنی رکن جدیدی را پایه‌ریزی می‌کند و آن بحث علم و دانش و اجتهاد و ... است. دو مقوله جهاد و علم و دانش در اسلام شانه‌به‌شانه هم، هر دو به نحوی، متعلق نفر واقع شدند، چون در همه بلاد و در همه شرایط غالباً فراهم نیست و لذا باید نفر کرد «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» تمهیدی برای پایه‌ریزی یک الزام جدید می‌باشد.

احتمالات فقهی «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً»

۱- مای نافی، رفتن را تجویز می‌کند و تمهیدی برای نفر و الزام جدید می‌باشد. در این احتمال، کفایت را می‌رساند و لازم نیست همه بروند.

۲- مای نافی، نفر را تحریم می‌کند، منتهی تحریمش، تحریم مقدمی می‌باشد، و می‌فرماید رفتن به جبهه حرام است، منتهی حرمت، حرمت مقدمی است، چون نفر همگانی برای جهاد، مانع از تربیت نسل مجتهد و عالم می‌شود، و در این احتمال، کاری به کفایت ندارد و می‌گوید ولو این که عینی هم باشد، در عین حال می‌گوید نفر دیگری هم وجود دارد، و ممکن است این‌ها تراحم کنند، که در صورت تراحم، همه طرف جهاد نروند که طرف دانش باقی بماند، پس آیه می‌خواهد نفر للاجتهاد را پایه‌ریزی کند و این فضای کلی آیه است.

بنابراین دو نفر وجود دارد:

- نفر اول، از شهرها به میدان رزم «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً».

- نفر دوم، از شهرها به مرکز علم «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ».

برخی قائل شدند: «لولا نفر»، بدین معناست که آنهایی که در مدینه هستند، برای جهاد، نفر و کوچ نکنند، بلکه برای یادگیری علم، پیش پیغمبر اکرم^ص بمانند، منتهی این با لولا سازگار نیست.

نکته مشترکی که اینجا وجود دارد، این است که این آیه در صدد این است که فضای جدیدی را در اواخر عمر شریف رسول خدا^ص جلو روی مسلمان‌ها بگذارد، با توجه به تأکیدی که در نفر و جهاد و هجرت و ... ذکر شده بود، این آیه،



نفر و هجرت جدیدی را پایه‌ریزی می‌کند چون در آیات دیگر، خیلی به علم و معرفت ترغیب شده است، و هکذا در مورد جهاد و مقدمه جهاد هم ترغیب و تأکید زیادی شده است، و این آیه، مقدمه اجتهاد را مورد تأکید قرار می‌دهد که از این جهت مهم است.

لا یبعد که قول به تحریم مقدمی، قوی‌تر و مورد قبول است، یعنی ظهور جمله خبریه که در مقام انشاء به کار رفته، مفید حرمت است، و رفتن همگان به جهاد، با توجه به این که مانع از نفر بعدی می‌شود، حرام است، و شاهد احتمال دوم، این است که جمله الزامی دوم با «فاء» آمده است فلولا نفر... یعنی نباید بروند، چون مزاحم آن، واجب دیگر است، «فاء» نکته دوم را ترجیح می‌دهد و البته نهی «ماکان المؤمنون...»، نهی تحریمی است، هر چند تحریمش، تحریم مقدمی است اگر این نفر همگانی به آنجا مانع او از انجام تکلیف بعدی باشد تحریم می‌کند، و اینجا از جاهایی است که شکی در غیریت و نفسیتش وجود دارد، و غیرتی بودنش واضح است؛ و الا اگر روزی آموزش مجازی باشد و در حین جهاد بتوان از طریق آموزش مجازی، به علم پرداخت تا لطمه‌ای به اجتهاد نخورد، آیا باز هم حرام است که جهاد بروند؟ بیشتر این تحریم در جایی است که مزاحم دیگری باشد.

نفر در لغت

نفر: «الانزعاج من الشيء یا الانزعاج الی الشيء» که در فارسی اصطلاح کوچ گفته می‌شود، یعنی بیرون رفتن از جایی، یا به جایی، که ماده نفر همان کوچ است، مثل واژه هجرت و هاجر، که در هجرت هم یک جایی را ترک می‌کند، و یک جایی را می‌گیرد.

هجرت، تنها هجرت مکانی نیست، شامل هجرت باطنی هم می‌شود که هجرت از رذایل به فضائل است، یا مثل واژه انقطاع که انقطع منه، الیه، این ماده انقطاع و فرار و هجرت این چهار ماده مفهوم نسبی دارند که قوام این واژگان، مفهوم جدایی از چیزی و رفتن به جایی دارد که به نحوی مبدأ و منتهی در این‌ها منطوقی شده است، و لذا من و الی در این‌ها محفوظ است.

ظهور این نفر در اینجا با قرائن فراوانی که حافه به کلام است همان نفر مکانی است، پس در اینجا نفر، نفر از جایی به جایی است و اینجا «از جا و به جا» نیامده است، و مقصود، نفر مکانی و ظاهراً نفر حقیقی می‌باشد، البته در هجرت‌های



باطنی هم مجاز نیست. هرچند بتوان باطنی برایش فرض کرد. از جا و به جایش در این آیه، در هیچ‌کدام از «لینفروا» و «لولا نفر» نیامده است منتهی از قرائن معلوم است در «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً». نفر الی الجهاد است، در «لولا نفر» نفر الی مرکز علم و فقه است و مبدأ و منتهی محذوف است.